

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ می ۲۰۲۳

افغانستان+ ماهوار ۱۲۰ میلیون دالر: برای چه؟؟

(۲)

چهارشنبه- ۰۳ جوزای ۱۴۰۲- کابل: یکی از وظایف دیگری که امپریالیسم امریکا در بدل پیشکش افغانستان و مستمری ماهوار ۱۲۰ میلیون دالر بر دوش طالب، نظام ملاسالار گذاشته است، کار در جهت تحقق نقشه "خاور میانه بزرگ" می باشد.

هر چند تعدادی از نویسندگان بعد از آشتی میان عربستان سعودی و رژیم ولایت فقیه، صریحاً اعلام داشتند که با این آشتی ستراتیژی تغییر نقشه جغرافیائی منطقه و ایجاد خاور میانه بزرگ از میان رفته است، مگر به نظر من صدور حکم در چنین موردی بسیار زود است، چه با در نظر داشت دوام جنگ اوکراین و تا حدودی سرسختی غرب جهت رسیدن به اهدافش با ادامه جنگ تقویت روزافزون اوکراین و این که تا هنوز بر جهان تک قطبی و سلطه دالر واقعاً نقطه پایان گذاشته نشده است، از امکان و احتمال بعید نیست که در صورت تحمیل شکست بر روسیه، کشورهایی که تا کنون به امید حمایت روسیه و چین در قبال تحرکات براندازی علیه شان از جانب امپریالیسم امریکا، مقاومت نموده اند یک شبه دستها را بالا نموده مجدداً به راهی گام گذارند که امپریالیسم امریکا از قبل تعیین نموده بود. یعنی یکی از آن موارد باز هم ستراتیژی ایجاد "خاورمیانه بزرگ" مجدداً روی دست گرفته شود و طالب و نظام ملاسالار وظایفی را که در قبال ایجاد آن فضاء بر دوش دارند، به انجام آن بکوشند. به نظر من طالب در ازای دریافت اینهمه پول جمع افغانستان، قبول نموده است تا کارهای آتی را در منطقه انجام دهد:

۱- نخستین کشوری که با تحقق ستراتیژی "خاورمیانه بزرگ" مقام بازنده نخست را در کنار عربستان سعودی کمائی خواهد نمود، کشور پاکستان است. هر چند از زمان ایجاد کشوری به نام پاکستان تا امروز، به خصوص طی سالهایی که جنگ سرد بین قدرتهای بزرگ خلقها را به قربانگاه می فرستاد، دولتهای غربی در کل طرفدار پاکستان بودند و با تمام قدرت به تقویت آن کوشیدند، مگر از یک جانب خاتمه جنگ سرد و از جانب دیگر تمرکز بنیادگرایی اسلامی در پاکستان همزمان با ساختن بمب اتمی توسط آن کشور، محاسبات قرن گذشته غرب را در مورد پاکستان تغییر داده است.

به خصوص از زمانی که ناتو قادر شد طی بمباران حدود سه ماه یوگوسلاویا، آن کشور را به کشورهای کوچک و تابع و منقاد خودش تجزیه نماید، غرب امپریالیستی از آغاز قرن جدید، زیر عنوان دولت های قومی و نژدای، در تلاشند تا

در منطقه خاور میانه و برخی نقاط دیگر جهان، از طریق ایجاد حاکمیت های قومی کشور های کنونی را تجزیه نموده با ایجاد کشور های جدید مطلقاً وابسته به خودش، سلطه ۵۰۰ ساله نژاد انگلساکسون را تداوم ببخشند.



هرگاه به این نقشه که در سال ۲۰۰۸ میلادی بدون آن که ثابت شود که آیا وزارت دفاع امپریالیسم امریکا قصداً و جهت استمراج کشور های منطقه آن را افشاء نموده ویا کار مخالفان بوده، نظر اندازید متوجه خواهید که همان طوری که قبلاً نیز تذکار دادم بازنده بزرگ این سیاست، دولت پاکستان و عربستان سعودی می باشند. دلیل این بی مهری غرب به خصوص ترسیم کنندگان این نقشه بر روی کاغذ یعنی ستراتیژیست های امپریالیسم امریکا نسبت به پاکستان در کل دو عامل می باشد. یکی توان هسته ای پاکستان و دیگری نزدیکی بیش از حدش با دولت چین.

هرچند جهت ارتقای کشور پاکستان به یک قدرت هسته ای، در ربع چهارم قرن بیستم، کشور های غربی مخفی و علنی در همکاری نزدیک با چین پاکستان را به یک قدرت هسته ای تکامل دادند، مگر ختم جنگ سرد و اضمحلال بزرگترین رقیب آنروزی غرب امپریالیستی یعنی اتحاد شوروی و رشد سازمانهای تروریستی اسلامی به خصوص از آغاز قرن جدید و ادعای حاکمیت نمودن از جانب آنها بر تعدادی از مناطق تحت سیطره غرب امپریالیستی، یکی از نگرانی های غرب امپریالیستی این بوده و است که نکند تحولات داخلی در پاکستان به سمتی حرکت نماید که بنیادگرایان رسماً قدرت را در پاکستان تصرف و از آن طریق منافع غرب را در منطقه زیر سوال ببرند، به همین علت غربی ها به خصوص امپریالیسم امریکا با تمام قوا می کوشد تا پاکستان را در چنان فقر و گرسنگی به وسیله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی غرق نماید، که نتواند سرش را بلند کند تا چه رسد به این که بنیادگرایان داخل ارتش آن کشور بخواهند زیاده خواهی منطقه ای نمایند.

نوشتن دومین عامل مخالفت غرب با پاکستان نزدیکی آن کشور با دولت چین می باشد. هر گاه نقشه فوق را بدون تغییرات پیشنهادی خاور میانه بزرگ یعنی در وضعیت کنونی در نظر بگیرید حتماً متوجه می شوید که دولت چین می

خواهد از طریق شاهراه "قراقرم- بندر گوادر" فاصله خود را به خلیج فارس یعنی یکی از نقاط ستراتیژیک تولید و تجارت انرژی جهان چنان کاهش دهد که ظرف ۱۲ الی ۲۴ ساعت بتواند بیش از ۱۰۰ ها هزار عسکر و تجهیزات چینی را در خلیج فارس رسانده، در صورت ضرورت در همانجا به غرب امپریالیستی مصاف بدهد. به علاوه ارزش و اهمیت نظامی از لحاظ اقتصادی نیز با اتصال بندرهای "گوادر و چاه بهار" به وسیله شاهراه تجارتي جدید "شمال- جنوب" بین "روسیه- ایران" امتعه چینی را ظرف کمتر از یک ماه به بحیره بالتیک انتقال دهد.

این دو عامل یعنی هم قدرت هسته ئی، هم نزدیکی با چین عجالاً پاکستان را در "مگسک نشانه گیری" غرب امپریالیستی قرار داده است. نیروئی که می تواند با کمترین هزینه نقشه های غرب امپریالیستی را در مورد پاکستان موفقانه عملی بسازد، طالب و نظام ملاسالار است.

تا جایی که هم اکنون دیده می شود طالب با تکیه بر دو نیرو، یکطرف "تحریک طالبان پاکستان" و دیگری سوءاستفاده از "جنبش تحفظ پشتون" این امکان را دارد که از یک جانب جنگ مذهبی را در پاکستان دامن بزند و از جنگ دیگر جنگ قومی را تا تجزیه کامل آن کشور با جدا ساختن پشتونها و بلوچها از بیکر پاکستان و آن کشور را با تمام قدرت هسته ئی آن در لاک پنجابی و سندی فرو ببرد. این یکی از عللی است که غرب امپریالیستی افغانستان را به مثابه پیشکش جمع مستمری ماهوار ۱۲۰ میلیون دالر به طالب و نظام ملاسالار سپرده و تطبیق آن را از آنها می خواهد. ادامه دارد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!